

روایت جنجالی عزیزی خادم از ماجرای عزل‌اش از فدراسیون فوتبال

رئیس معزول فدراسیون فوتبال گفت: رئیس کمیته اخلاق که صلاحیت رسیدگی به کار بنده را هم نداشت رسماً به من می‌گفت استعفا بده تا شما را محروم نکنیم. رسماً از مسائل و فشارهایی که روی خودش است می‌گفت که اصلاً جای شرم است.

به گزارش سایت خبری پرسون، قرار مصاحبه ساعت ۱۱ صبح در یکی از ساختمان‌های اداری سعادت‌آباد است؛ در یکی از همین روزهای بی‌رحمانه گرم تابستانی. زنگ که به صدا درمی‌آید، صدایی ناشناخته قبل از اینکه حرفی بزنم، می‌گوید «بفرمایید بالا». سه طبقه‌ای را باید با پله طی کرد تا به دفتر مورد نظر رسید. یکی به استقبال آمده و می‌گوید «چند لحظه تشریف داشته باشید. آقای دکتر تشریف می‌آورند». چند ثانیه بعد، شهاب عزیزی‌خادم، رئیس معزول فدراسیون فوتبال، با لبخند پهنی که به صورت دارد، وارد می‌شود. کت آبی کم‌رنگ بهاره‌ای پوشیده. نگاهی به کاغذ و دفترها می‌کند و با خنده می‌گوید: «این همه سؤال؟». حس شوخ‌طبعی‌اش با شروع مصاحبه از بین می‌رود؛ مشخص است هنوز تصمیم به «کنار گذاشته شدن» را هضم نکرده است. در طول گفتگو چندین بار صدایش بلند می‌شود و وقتی هم پای اعضای هیئت‌رئیس به میان می‌آید، حرارت صحبت‌هایش بیشتر می‌شود. وقتی‌هایی که حس می‌کند «کلام» به قدر کافی بیانگر نیست، از دست‌هایش برای رساندن منظور استفاده می‌کند. «خیانت» و «غصبی» بودن را بیش از بقیه واژه‌ها در طول گفتگو تکرار می‌کند. اگرچه ابتدا کمی «محافظه‌کارانه» صحبت می‌کند، ولی در ادامه با جسارت بیشتری از «فشارهای بیرونی» برای عزلش از فدراسیون فوتبال ایران می‌گوید. او خودش را قربانی جریانی بیرونی می‌داند و می‌گوید نه فدراسیون بلکه مشکل این «جریان» عزیزی‌خادم بود. مصاحبه قریب به یک ساعت و ۴۰ دقیقه طول می‌کشد. از صعود ایران به جام جهانی، از دراگان و ویلموتس گرفته تا رفتار با تیم ملی فوتبال زنان ایران را توضیح می‌دهد. واضح است که نمی‌شود تمام مصاحبه را پیاده کرد، ولی این بخش از حرف‌های عزیزی‌خادم، روایتی از روزهای قبل از جلسه ۲۸ بهمن اعضای هیئت‌رئیس تا ماه‌های بعد از آن است؛ روایتی که او برای اولین بار بعد از عزل، حاضر شده درباره آن توضیح دهد.

می‌دانید اولین و مهم‌ترین چیزی که شما و فدراسیون شما را به حاشیه برد، چه بود؟

(فکر می‌کند) از روز نخستی که آمدیم، فدراسیون را عامدانه تخریب و برای آن حاشیه‌سازی می‌کردند.

بله، نکاتی بود، ولی بهانه اصلی نبود. کلید اصلی از زمانی زده شد که شایعه ارتباط فدراسیون با جادوگر مطرح شد؛ چنین چیزی بود؟

فکر می‌کنم دراگان اسکوپچ همدین چند روز پیش درباره این موضوع صحبت کرده است. چنین چیزی نبود. بارها درباره این موضوع صحبت کرده‌ایم و الان تکرار مکررات می‌شود. نکند می‌خواهید به «خوبان عالم» برسید!

بله خب، این چیزی بود که خودتان به آن اشاره کرده بودید. اجازه بدهید این‌طور بپرسم؛ جادوگر نه، ولی «خوبان عالم» که وجود داشت؟

خوبان عالم که فی‌نفسه کلمه بدی نیست. هرجایی که کسی قلب و وجودش پاک باشد از او استدعای دعا دارم. اینکه چیز بدی نیست. باین‌حال بگذار از خود شما بپرسم؛ آیا کنار تیم ملی اصلاً کسی یا چیزی مرتبط با این موضوع دیدید؟

کنار تیم ملی نه، ولی در حلقه دوستان نزدیک شما چطور، آنجا همچنان کسی وجود نداشت؟

اینکه بخواهند حاشیه‌سازی و تخریب کنند، همیشه بهانه دارند. من از هرکسی که پاک باشد و قلبش پاک باشد، استدعای دعا دارم و الان هم دارم. فکر نمی‌کنم کار خلاف عرف و غیراخلاقی‌ای باشد. اتفاقاً خیلی هم خوب است.

دومین چالش بعد از ماجرای خوبان عالم، شعار و وعده‌های مالی شما بود. اینکه جایی گفته بودید ۱۰ میلیون دلار می‌آورم، جایی گفته بودید ۳۰۰ میلیارد تومان و...؛ این موضوع هم تبدیل به سوژه‌ای برای انتقاد از شما شد.

قبل از پاسخ‌دادن به این سؤال بگویم که وقتی فدراسیون را تحویل گرفتم، وضع بدتر از چیزی بود که تصور می‌کردم؛ شبیه به یک جهنم واقعی. این فدراسیون از نظر اعتباری و نتیجه در وضعیت بحرانی قرار داشت. شبیه به یک زمین متروکه و مین‌گذاری هم شده بود. صلاحیت من را برای ورود به انتخابات در وقت اضافه دادند. به من می‌گفتند شما وزیر صنعت و جای دیگری باش، ولی وارد فوتبال نشو. چه گناهی کردم؟ آدم باید مجرم باشد؛ چرا وقتی کسی ایمان دارد می‌تواند جایی را متحول کند، نباید ورود کند؟ باین‌حال، من در مجموع ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد تومان آورده داشتم.

چنین عددی را از کجا می‌آوردید؟

۱۶ میلیون دلار پاداش صعود به جام جهانی داریم که می‌شود رقمی نزدیک به ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان.

ولی این رقم را که فدراسیون‌های قبل هم داشته‌اند.

پاداش‌های ۱۶ میلیون دلاری که در دوره قبل به جام جهانی رفته‌ایم، صرف تیم‌های ملی شده است. سالی سه تا چهار میلیون دلار هزینه دستمزد سرمربی و کادر فنی و کمپ‌ها شده است. در عرض چهار سال که دیگر چیزی نمی‌ماند. من با مربی ۲۰۰ هزار دلاری تیم ملی را به جام جهانی بردم. پرواز رایگان گرفتم، هتل رایگان گرفتم، عملاً از نظر لباس تا پرواز تا هتلینگ تیم را با کمترین هزینه به جام جهانی برده‌ایم. ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان عایدی داشتیم که حالا دعوا بر سر همین پول است. ۴۰ یا ۵۰ میلیارد تومان از هواپیمایی زاگرس و وارث پرواز رایگان داشتیم. ۱۵۰ میلیارد تومان هم در کیش برای ساخت پنج زمین هزینه شده که کارهایش دارد انجام می‌شود. ۱۷۰، ۱۸۰ میلیارد هم از دولت گرفتم.

مگر هزینه ۱۵۰ میلیارد زمین کیش از کجا آمده که آن را به آورده‌هایتان اضافه می‌کنید؟

مناطق آزاد. به هر حال باید برای توسعه فوتبال بتوانی از روابطت استفاده کنی.

شما اعتقاد داشتید دولت هم باید دو میلیون دلار به شما کمک کند؟

چه اشکالی دارد؟ مگر دولت آلمان به تیم ملی کشورش کمک نکرده؟ خب این هنر ما بوده است؛ قبلی‌ها نتوانستند بگیرند، من توانستم چیزی نزدیک به ۱۷۰، ۱۸۰ میلیارد تومان از دولت بگیرم.

فکر می‌کنم رقم دقیقش ۱۸۶ میلیارد تومان است، درست است؟

بله، از دو دولت امکانات گرفتیم. از دکتر نوبخت و همچنین از این دولت برای کمک تشکر می‌کنم.

در جریان هستید این ۱۸۶ میلیارد تومان کجا هزینه شده است؟

آمارش را از فدراسیون فوتبال بگیرید. کاملاً مشخص است. بخشی از آن صرف پرداخت بدهی‌های قبل شده است. ده‌ها میلیارد بدهی انباشته داشته‌ایم. مثلاً پرواز سال ۹۶ تیم ملی را که به کیش رفته بود، نپرداخته بودند. پرواز ۶۰۰، ۷۰۰ میلیونی را پرداخت نکرده بودند، شده بود نزدیک به یک‌ونیم، دو میلیارد تومان. پول دستیارهای کی‌روش را نداده بودند. همین الان ماهی چند صد میلیون تومان هزینه مالیات قرارداد آقای کی‌روش پرداخت می‌شود. دستمزد مربی‌ها و کادرهای قبلی را کامل نداده بودند. هزینه این‌ها شده است.

از محل همین ۱۸۶ میلیارد تومان پول پاداش‌ها را پرداخت کردید؟

بله، پاداش‌ها را هم کامل تسویه کردیم. همین آقای کامیابی‌نیا یک روز در اردو پیش من آمد و گفت من پاداش هشت سال پیش را نگرفته‌ام؛ ولی تا جای ممکن امکانات گرفتیم و بعد از بازی عراق پاداش‌ها را پرداخت کردیم.

حتماً می‌دانید که همین دستمزد و پاداش‌ها خیلی سروصدا و جنجال داشته است....

شما از مترجمی که زمان آقای کی‌روش بودند، آدم خوبی است، قانونی هم گرفته است؛ بروید از او بپرسید ببینید چقدر گرفته است؟ اعضای کنار تیم مثل پزشک‌ها و دیگران در هفت، هشت سال گذشته، قبل از بنده، پاداش‌هایشان دو برابر پاداش‌هایی است که من داده‌ام. بروید صورت‌های مالی فدراسیون‌های فوتبال را ببینید. چرا کسی آنجا چیزی نگفت؟ آن‌ها هم قانونی پرداخت کرده‌اند؛ ولی وقتی می‌گویم در فدراسیون من هزینه‌ها کاهش پیدا کرده است؛ یعنی ۵۰ درصد دوره قبل پرداخت کرده‌ام. مدیا آفیسر سابق تیم ملی فوتبال ایران، پسر خوبی هم هست، او هم قانونی گرفته است؛ ولی یک بار دیدم آقای سلطانی‌فر به من نامه زدند که ایشان برای یک بازی شش هزار دلار دریافتی باید داشته باشد؛ برای یک بازی! کل مدیا آفیسر تیم ملی عزیزی‌خادم در ۱۳ تا بازی، شش هزار دلار گرفته است. او برای یک بازی شش هزار دلار گرفته بود. چرا این‌ها را نمی‌گویند؟ آن‌ها هم خطا نکردند، خلاف نکرده‌اند، قانونی بوده و مصوبه داشته است. من کجا پاداش‌های نجومی داده‌ام؟ چرا دروغ می‌گویند به مردم؟ به شما می‌گویم؛ چون سازمان رسانه‌ای داشتند. به تک‌تک رسانه‌ها زنگ زده بودند که اخبار عزیزی‌خادم را کار نکنید. چرا؟ چون عزیزی‌خادم رسانه ندارد. بعد از این، مباحث دیگری مطرح می‌شود؛ مثلاً می‌گویند رئیس فدراسیون زیاد گرفته است. حقوق من ماهی ۲۵ میلیون تومان بود.

یعنی شما به آقای خورشیدی ماهی ۳۵ میلیون تومان می‌دادید، بعد حقوق خودتان ۲۵ میلیون تومان بود؟

بله، حقوق من ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان است. این حقوق من بود؛ ولی مربی دروازه‌بان‌های تیم ملی به علاوه پاداش‌ها ۲.۵ میلیارد تومان گرفته است؛ یعنی یک رئیس فدراسیون باید هشت سال کار کند تا حقوق و پاداش به اندازه یک سال مربی دروازه‌بان‌ها داشته باشد.

ولی شما مجموعاً ۶۶۷ میلیون تومان دریافتی از فدراسیون داشته‌اید.

حقوق که همان ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان است. مابقی این رقم که فکر می‌کنم نزدیک به ۳۰۰ میلیون تومان باشد، مربوط به پاداش صعود به جام جهانی آن‌هم برای مرحله اول است. من پاداش مرحله دوم را هم نگرفته‌ام. اصلاً زنگ بزنید و آمار بگیرید. من بقیه پاداش را هم نگرفتم.

به هر حال این موضوع جزء مواردی بود که تعدادی از اعضای هیئت‌رئیس روی آن دست گذاشتند.

داستان اعضای هیئت‌رئیس که قصه‌اش متفاوت است.

چطور؟

در یک سال اعضای که کنار من بودند، یکباره و یک‌شبه، هر هشت نفر در اقدامی بی‌سابقه و در یک توطئه کامل، در یک برگه آ چهار، بدون هیچ استنادی عزیزی‌خادم را کنار گذاشتند. چنین موردی جایی سابقه نداشته است. آن‌هم در شرایطی که پنج درصد هم برای صعود ایران به جام جهانی شانس متصور نمی‌شدند. ما شاهکار کردیم، کار غیرممکن را عملی کردیم. سریع‌ترین صعود را داشتیم و ۱۳ بازی بی‌نظیر داشتیم که فقط یکی مساوی شد؛ ولی عاقدانه فدراسیون را تخریب کردند. رئیس فدراسیون را عاقدانه و روی یک برگه آ چهار عزل موقت کردند. روی چه حسابی این کار را کردند؟ من از مجمع فدراسیون فوتبال رأی گرفته بودم. اعضای هیئت‌رئیس هم منتخب مجمع بودند. اعضای که کارشان را تاریخ فراموش نخواهد کرد. شاید آن‌ها با ظلم و ستم عزیزی‌خادم را از فدراسیون فوتبال جدا کنند؛ اما نتایج و آثار من را که به لطف الهی خلق شده، نمی‌توانند پاک کنند.

گفتید علیه شما توطئه کردند؟

بله، کجای دنیا بهترین نتایج را می‌گیرید، سریع‌ترین صعود را به دست می‌آورید و بعد با رئیس فدراسیون فوتبالش چنین کاری می‌کنند؟ دروغ می‌گویند و تهمت می‌زنند؟ سازمان و بازوی رسانه‌ای درست می‌کنند که بخواهند وجهه یک نفر را خراب کنند؟ رؤسای فدراسیون فوتبال تیم را می‌برند جام جهانی که چهار سال فرصت داشته باشند کارهای‌شان را انجام دهند؛ ولی به محض اینکه تیم را به جام جهانی بردیم، دست به کار غیرقانونی و بی‌سابقه زدند و فدراسیون را با خاک یکسان کردند. خیلی عاقدانه این کار را کردند.

با این حال گفته بودند ۴۳ مورد تخلف مرتکب شده‌اید (سؤال را قطع می‌کند)

نمی‌دانم. کجاست این موارد؟ اصلا این ۴۳ مورد کجاست؟ اصلا اتهام من چیست؟ چرا من را برداشتند؟ جرم من چیست؟ هیئت‌رئیس‌های که حقوق گرفته‌اند، پاداش گرفته‌اند، نمی‌گویم غیرقانونی گرفته‌اند، دفتر داشته‌اند، تشکیلات داشته‌اند، کمیته هم داشته‌اند، پوست خیاره هم برای این فوتبال نیاورده‌اند، خیانت هم کرده‌اند. یک‌شبه دست به خیانت زدند. یک بار می‌گویند ۴۰ مورد تخلف داشته‌ام، فکر می‌کنم از زمان احمدشاه قاجار تا الان این‌قدر نمی‌توانستند قلم‌فرسایی کنند و از آن به‌عنوان جرم عزیزی‌خادم نام ببرند. کدام جرم؟

یعنی هیچ‌کس با شما صحبت نکرد که از این ۴۳ مورد یکی، دو تا، ۱۵ تا موردش اینهاست؟

اصلا یک نفر چنین چیزی به من نداد. همان‌هایی که این موارد را علیه من ساختند، خودشان رفتند و در مجمع محاکمه شدند. عده‌ای از آن‌ها لب به لب ماندگار و یکی از آن‌ها هم که کلا عزل شدند. آن‌ها تریبون داشتند. چرا رسانه ملی به من تریبون نداد تا دفاع کنم؟ همین الان هم به من تریبون بدهند تا بیایم دفاع کنم. چرا تا فدراسیون فوتبال آماده، ترگل و صعودش به جام جهانی قطعی شد، یک‌دفعه این‌همه خواستگار پیدا کرد؟

اجازه بدهید کمی به عقب برگردیم؛ از قبل حس کرده بودید که این هشت نفر قرار است قبل از ۲۸ بهمن چنین توطئه‌ای علیه شما رقم بزنند؟

بله، این حس را داشتم، ولی نه با این شرایط. تعدادی از آن‌ها با من صحبت کردند که تحت فشار هستند. حتی شب قبل از جلسه به من گفتند که شما به جلسه هیئت‌رئیس فردا نیا، ولی من جرمی نکرده بودم که نروم.

گفتید جلسه غیرقانونی بوده است پس چرا خودتان در آن شرکت کردید؟

آقای کامرانی‌فر به من گفت بیا، چون این‌ها مدارک و مستندات ندارند. فقط رفتم تا بگویم بدون مدرک و سند این جلسه غیرقانونی است. بعد هم که پالتو را برداشتم و زدم بیرون.

یکی، دو نفر از اعضای هیئت‌رئیس از جمله میرشاد ماجدی گفته بودند فشاری برای عزل شما نداشتند.

یکی از همین افرادی که پای عزل غیرقانونی من را امضا کرده همین آقای میرشاد ماجدی است. شخصی که من خودم ایشان را به‌عنوان رئیس کمیته جوانان گذاشتم، بعد به‌عنوان نماینده فدراسیون به AFC فرستادم و بعد او را تکنیکال‌دایرکتور کردیم که مبلغ خیلی‌خیلی قابل‌توجهی در آنجا می‌گیرد. بعد همین آقا ناجوانمردانه... (جمله را نیمه‌تمام می‌گذارد) البته این‌ها کارهای نبودند، مشخص بود در همان روزی که گریه می‌کردند در همان جلسه، تحت فشار بودند. قبلش هم به من گفته بودند.

یعنی در همان جلسه ۲۸ بهمن؟

بله در همان جلسه.

گریه می‌کردند، چون مجبور بودند پای نامه عزل شما را امضا کنند؟

باید از خودشان بپرسید، ولی آدمی که مجبور نباشد، آدمی که تحت فشار نباشد چنین رفتاری نمی‌کند. قبل از آن هم تعدادی از دوستان هیئت‌رئیس به من گفته بودند که از جایی تحت فشار هستیم. اصلا تحت فشار باشید؛ اتفاقا مشکل همین هیئت‌رئیس است. مگر شما تحت فشار هر کاری را می‌کنید؟ پس انسانیت کو؟ اصول حرفه‌ای‌ات کو؟ اخلاق کو؟ این کار می‌شود خیانت؛ غیر خیانت نمی‌شود اسمی برایش گذاشت. این‌ها چطور شب‌ها سرشان را می‌گذارند و می‌خوانند؟ هیچ‌کس به آدم خیانتکار اعتماد ندارد. بعد هم که همین‌ها من را ناجوانمردانه به کمیته اخلاق بردند.

همان کمیته‌ای که گفته بودید از شما خواسته‌اند استعفا بدهید تا محروم نشوید؟

بله، رئیس کمیته اخلاق که صلاحیت رسیدگی به کار بنده را هم نداشت رسماً به من می‌گفت استعفا بده تا شما را محروم نکنیم. رسماً از مسائل و فشارهایی که روی خودش است می‌گفت که اصلاً جای شرم است.

یعنی ایشان هم از بیرون برای پرونده شما تحت فشار قرار گرفته بود؟

بله، بله. خودش رسماً گفت که فشار هست. می‌گفت بروید به بالاسری‌ها بگویید که به من فشار نیاورند! آخر این چه فوتبالی است؟ بعد هم که آن داستان کمیته استیناف رخ داده است.

در کمیته استیناف هم عنوان شد که آن‌ها هم مجبور به تأیید محرومیت شما هستند؟

نکته جالبی است. حذف من کاملاً تبدیل به پروژۀ شده بود. زور بود؛ دیگر کاری از دستم برنمی‌آمد. من را غیرقانونی عزل کردند، بعد فرستادند کمیته اخلاق و در همین فاصله هم دنبال این بودند که من استعفا دهم. در همین کمیته استیناف ذی‌حساب فدراسیون فوتبال که اصلاً از زمان گذشته در این فدراسیون مشغول است، به رئیس و اعضای کمیته استیناف گفت آقایان با ایشان این برخورد را نکنید. این موضوعاتی که شما الان به آن اشاره می‌کنید در همه فدراسیون‌ها بوده است. فدراسیون همیشه می‌توانسته ۱۰ نفر را ببرد و گهگاهی ۱۶ یا ۱۷ نفر را با خودش برده است. حالا عزیزی‌خادم یکی، دو نفر را هم با خودش به سفر برده؛ آن‌هم چه کسی؟ کسی که اسپانسرش بوده است.

این موضوع مربوط به داستان همراهان شما در سفر به لیتوانی است؟

بله. در دنیا دو چیز در فوتبال مهم است: یکی تماشاگر، دیگری اسپانسر. در تمام دنیا اسپانسرها را حتی با خانواده به همراه فدراسیون می‌برند. من هنوز هم از آقای موسوی تشکر می‌کنم بابت هواپیمای رایگان و اختصاصی که در اختیار ما گذاشت. در کیش هم به ما هتل داد. این آدم را با خواهش به همراه خودمان برای مسابقات جام جهانی فوتسال به لیتوانی بردیم. مگر ایشان نیاز داشت؟ خودم خواهش کردم بیايد. کلاً ۵۰، ۶۰ میلیون تومان هم خرج ایشان شده است، در عوض ده‌ها میلیارد تومان پرواز به ما داده است. این قدر در همین مورد فضای رسانه‌ای درست کردند. این آدم دیگر در کنار تیم ملی دیده می‌شود؟ او دیگر کنار تیم ملی نمی‌آید؛ افراد دیگر هم نمی‌آیند.

این هم یکی از همان ۴۳ مورد تخلفی بود که می‌گفتند شما مرتکب شده‌اید؟

کدام ۴۳ موارد؟ من هنوز ندیدم این موارد را؟ آب شده‌اند؟

پس در نامه عزل شما چه دلیلی آورده‌اند؟

هیچی ندارد این نامه. مستندی ندارد. برای چه چیزی من را عزل کرده‌اند؟

اجازه بدهید فعلاً برگردیم به همان کمیته استیناف. ادامه جلسه چطور پیش رفت؟

ذی‌حساب فدراسیون آنجا روایت جالبی را تعریف کرد. گفت یک روز جمعه من را به فدراسیون فوتبال کشاندند؛ فردی به اسم آقای ... فردی که خیلی جاها می‌گویند دنبال پرونده‌سازی بوده است. اینکه این آقا به دستور چه کسی آمده، چطوری آمده، اصلاً ایشان چه کاره است که به فدراسیون بیايد؟ گفت این آقا ما را خواسته و گفته پرونده را بیاور. گفت پرونده را داده و گفته ایشان (عزیزی‌خادم) خلافی نکرده است. بعد گفته شما باید حتماً کاری کنید که پای عزیزی‌خادم به مجمع نرسد.

یعنی می‌گویید آقای ... به اعضای فدراسیون توصیه کرده‌اند (سؤال را قطع می‌کند) ...

توصیه نبوده است؛ چرا خود شما در لفافه صحبت می‌کنید؟ این‌ها خیانت کردند؛ باید تک به تک محاکمه شوند. بعد در این کشور آن‌ها می‌شوند خادم من می‌شوم خائن! ذی‌حساب فدراسیون گفت که من مقاومت کردم. این‌ها جملاتی بود که ذی‌حساب به رئیس کمیته استیناف می‌گفت. بعد، مسئول مالی فدراسیون فوتبال خودکاری از جیبش درآورد و گفت آقایان من فرزند شهید هستم، من را هم به اینجا کشانده‌اند. به این آدم (عزیزی‌خادم) دارد ظلم می‌شود. به من گفته‌اند بنویس. آن چیزی را که واقعیت بود، نوشتم و امضا کردم. با رنگ همان خودکار سه خط اضافه کرده‌اند و داده‌اند به رسانه‌ها که چهره عزیزی‌خادم خراب شود.

خب اینکه موضوع خطرناکی است و نیاز به بررسی کامل‌تری دارد.

باید رسیدگی شود، ولی کجا هستند رسانه‌ها و افرادی که از دکمه و لباس تیم ملی بانوان گرفته تا تیم ملی آقایان گیر می‌دانند؟ چرا الان که فجایعی مثل مشهد رخ می‌دهد روزه سکوت گرفته‌اند؟ فاجعه مشهد عزت و اعتبار این ملت را زیر سؤال برد؛ آیا آن رسانه‌ها اصلاً چنین چیزی را پرسیدند؟ پیگیری کردند؟ کسی راجع به ویلموتس سؤال می‌کند؟ کسی راجع به کانادا و لشکرکشی‌ای که برای رفتن و ویزای این کشور انجام شد، سؤال می‌پرسد؟ اگر عزیزی‌خادم بود که فجایعی مثل مشهد و داستان کانادا رخ می‌داد به ما صدها اتهام می‌زدند. «VAR» را آوردیم، صدا انگ به ما زدند، تیم ملی بانوان را سروسامان دادیم به ما حمله کردند، تیم ملی ایران می‌برد به فدراسیون فوتبال و شخص عزیزی‌خادم حمله می‌کردند. کجای دنیا چنین کاری را

می‌کنند؟ اگر با عزیزی‌خادم مشکل دارید حداقل به قطار فوتبال سنگ نزنید. این قطار متوقف شده بود و ما دوباره به لطف الهی و کار جمعی آن را به ریل برگردانیم. شاید نقش من هم کمترین نقش بود. این قطار به هر دلیلی به ریل برگشت و سرعت گرفت، ولی نه تنها از ریل خارجش کردند بلکه متوقف شد.

منظورتان نتایجی است که تیم ملی بعد از شما گرفته است؟

من ۱۳ بازی با تیم ملی بودم ۱۲ تا برد دارم و یک مساوی. چرا حالا صدای کسی در نمی‌آید؟ تیم ملی سه بازی کرده دو تا را باخته و بازی با لبنان هم که اندازه صدها باخت به اعتبار و عزت مردم این کشور لطمه وارد کردند. کسی هم صدایش در نمی‌آید. فقط مشخص است که مشکل عزیزی‌خادم است. اگر عزیزی‌خادم مجرم است (حرفش را قطع می‌کند) ... چرا یک جرم دارم؛ جرم من این است که موفق بودم. چشم دیدن موفقیت من را نداشتند. من با افتخار این جمله را می‌گویم که عزیزی‌خادم اهل باج‌دادن نبود. این فدراسیون که الان از عزیزی‌خادم گرفته‌اند غصبی است؛ این فدراسیون را غصب کرده‌اند. این‌ها با ظلم و ستم این فدراسیون را از عزیزی‌خادم گرفتند. اگر تخلف کرده‌ام، مالی را اضافه برداشته‌ام، حتی یک دلار، بیایند رسیدگی کنند. چرا تهمت زدید؟ چرا چهره فوتبال را خراب می‌کنید؟ چرا این همه دروغ؟ یک بازی را به خاطر خوش‌خدمتی به مشهد بردند که دیدید چه آسیب‌هایی زدند.

غصبی یعنی اینکه فدراسیون هنوز از آن شما باید باشد؟

فوتبال ملی نماد کشور و نماد اتحاد شده بود، ولی این نماد را خیلی عامدانه و با فشارهای بیرونی و داخلی، آن‌هم با کاری که سراسر خیانت است به قهقرا بردند. این فدراسیون با ظلم، ستم و جور از عزیزی‌خادم گرفته شده است. همه با بازی رسانه‌ای فقط می‌خواستند عزیزی‌خادم نباشد. الان چهار، پنج ماه است من رفته‌ام، ولی فوتبال ایران ۵۰ سال عقب رفته است؛ چرا الان سکوت کرده‌اند؟ اگر من یک دلار یا سنت برای خودم برداشته‌ام، دوربین‌های زیادی بیاورید، من را محاکمه کنید. من را زدند، چون من دزد نبودم، فاسد نبودم، چون باج نمی‌دادم. چون عزیزی‌خادم یک روستازاده است، چون عزیزی‌خادم آقازاده نیست. اگر من به جایی وصل بودم، چه چپ و چه راست حتما حمایت می‌کردند، ولی من فقط به لطف الهی آمده بودم. خیلی هم خوشحالم، سرم هم بلند است، چون وطن‌فروش نبودم، وطن‌پرستم، خیانت نکردم، خائن نبودم. آن‌هایی که خیانت کردند باید جواب مردم را بدهند. آن‌ها بازندگان ابدی این فوتبال هستند. در دنیا و آخرت این‌ها بازندگان هستند. آن‌ها تعرض آشکار و فاحش کردند به ساحت فوتبال. فوتبالی که متعلق به همین مردمی است که در بدترین شرایط معیشتی قرار دارند. با آرزوی یک ملت بازی کردند. چرا کسی با این آدم‌ها کاری ندارد؟ چرا کسی صدایش بلند نشد؟ چرا کسی نگفت به کسی که برای فوتبال دارد کار انجام می‌دهد تعرض و تعدی کردید؟

آقای عزیزی‌خادم چند جمله است که این‌ها را می‌خوانم و بعد از شما دو تا سؤال دارم که فقط با بله یا خیر پاسخ دهید. این جملات در شبکه ۵ به نقل از دوستی عنوان شده است. «عزیزی‌خادم را با یک برنامه از پیش تعیین‌شده کنار گذاشتند... شنیده‌ام همین روزها قرار است دستگیر شود... به این آقایی که از ... آمده و دنبال این کار است می‌گویم دیگر آب از سرمان گذشته است... فدراسیون فیلمی دارد که در آن خواهید دید همه می‌گویند با زور از ما برای برکناری عزیزی‌خادم امضا گرفته‌اند». می‌دانید این جملات را چه کسی گفته است؟

بله، این جملات آقای مصطفوی است، ولی اجازه بدهید خود ایشان درباره این موضوعات حرف بزنند.

کلا خودتان به این جملات اعتقاد دارید یا خیر؟

قبلش صحبت‌هایی با خود من کرده بودند. حال اینکه سازمانش کجا بوده، اجازه بدهید ورود نکنم.

یعنی از قبل به شما فشار آورده بودند که کنار بکشید؟

من تحت فشار بودم. حتی در همان جلسه غیرقانونی اعضای هیئت‌رئیس به آن‌ها طوری القا شده بود که از من بخواهند استعفا بدهم. این کارها با سازمان رسانه‌ای انجام شده است. چرا الان سکوت کرده‌اند؟ آن نماینده مجلسی که هر روز صبح تا شب کارش دیده‌شدن و تخریب عزیزی‌خادم بود، الان کجاست؟ چرا راجع به مشهد حرف نمی‌زنند؟ چرا راجع به کانادا حرف نمی‌زنند؟ اگر من تیم ملی را برمی‌داشتم و به کانادا می‌رفتم که می‌گفتند من جریان فلان هستم.

با این شرایط، اوضاع ممکن است آشفته شود. فشار بیرونی که محسوس است و گفتید سه خط هم با رنگ خودکار و با قلم فرد دیگری به نامه ذی‌حساب اضافه شده است. الان قصد ندارید شکایت کنید؟

چرا، قطعا چنین حقی را برای خودم قائل هستم.

با این تفاسیر، کجا می‌خواهید شکایت کنید؟ در ایران یا خارج از ایران؟

هنوز در این مورد به جمع‌بندی نرسیده‌ام، ولی همان‌طور که گفتم این حق را برای خودم قائل هستم که پیگیری کنم.

فکر می‌کنم وقتش رسیده باشد که سؤال آخر را بپرسم. با توجه به این اتفاقاتی که برای شما رخ داده، اگر زمان به عقب برگردد، چه کار یا کارهایی را نمی‌کردید؟ کاری که از انجام آن پشیمان شده باشید.

(مکث می‌کند) روی این موضوع که به همه اعتماد کنم تجدیدنظر می‌کردم، چون جزء مواردی است که وقتی شما اعتماد می‌کنید، قلب آدم می‌شکند.

شکستن قلب صدا ندارد، ولی خیلی درد دارد.

منبع: شرق